

اصناف بزاز و کلاهمال سنقر و کلیایی، در طی سالهای ۱۳۰۳-۱۳۰۵ ش.

نظامعلی دهنوی

شکل‌گیری
اصناف در ایران، از
پیشینه تاریخی طولانی
برخوردار است؛ اما اطلاعات
در باب آنها از روزگار حاکمیت
صفویان تاکنون، دارای تنوع بیشتری
است؛ بخصوص از عصر حاکمیت
قاجارها، در کتب تواریخ عمومی و محلی،
خطاطرات سیاحان و کارگزاران دولتهای غربی و
مضافاً اسناد و مدارک موجود در بایگانیهای ایران و
کشورهای بیگانه، راجع به اصناف مختلف و روابط آنان
با یکدیگر و نیز با حکومت مرکزی و همچنین توانایی و
مشکلات اقتصادی آنها و... اشاره بسیار رفته است.

از سالهای میانی سده نوزدهم، همزمان با گسترش روابط
ایران با دولتهای مغربزمین، به عللی چون ادغام اقتصاد ایران در
شبكة اقتصاد جهانی، بسیاری از اصناف با مشکلات عدیده روبه‌رو
شدند. این مسئله، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل سده بیستم نمود
بیشتری یافت؛ چنانکه بسیاری از اصناف، دچار بحرانهای اقتصادی و
مالی شدیدی شدند و شماری نیز ورشکست گردیدند. به همین روی، در این
مقال سعی بر آن است که اصناف بزاز و کلاهمال سنقر و کلیایی در خلال
سالهای ۱۳۰۳، ۱۳۰۵ ش.، از جنبه‌های مختلف از جمله تغییر و تحول در نحوه
مالیات‌گیری و تاثیر آن بر اصناف، دگرگونیهای مناصب مالیات‌بگیران
روزگار و تاثیر آن بر میزان و نحوه وصول مالیات، شرایط جغرافیایی محل و
نقش آن بر شرایط مالی اصناف و بخصوص مشکلات اصلی و اساسی اصناف،
مورد کاوش قرار گیرد.

شهر سنقر، بین دو ناحیه به نامهای «قلعه‌گری» و «کلیایی» واقع شده است.
این شهر، در چهارده فرسخ شمال شرقی کرمانشاه و ۲۴ فرسخ جنوب غربی
همدان و بیست و چهار فرسخ جنوب شرق سنندج واقع است. از طرف شمال
به شهرستان قروه سنندج، از طرف مغرب به دهستان بیلوار و میان دربند بخش
مرکزی کرمانشاه، از جنوب به دهستان دینور از بخش صحنه کرمانشاه و از

مشرق به اسداباد همدان محدود
است. (۱)

موقعیت و شرایط جغرافیایی سنقر
و کلیایی و واقع نشدن آن در مسیر شاهراه
همدان - کرمانشاه، نه تنها تاثیرات نامطلوبی بر
اوضاع مالی اهالی برجای نهاده بلکه یکی از
عوامل عمده‌ای شده است که کلیه مدارک و مکاتبات
و اسناد به جا مانده از آن روزگار در باب اصناف یادشده، به
مشکلات مالیاتی آنان محدود گردد. از این رو، نبود اسناد و مدارک،
باعث شده است که در این پژوهش سلسله مراتب کلی کدخدایان، ریش
سفیدان، استادان و صاحبان کسب و نیز روابط آنان با حکومت - که در تجزیه
و تحلیل تاریخ اجتماعی، از اهمیتی شایان برخوردار است - مورد توجه قرار
نگیرد.

سالهای مورد توجه در این پژوهش، یکی از حساس‌ترین و پرتحول‌ترین
برهه‌های تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. در آن برهه، سلطنت قاجارها،
جای خود را به حکومت پهلوی سپرد و تغییرات عمده‌ای در اوضاع اقتصادی،
اجتماعی و فرهنگی ایران رخ داد. تا اواخر عصر قاجار، سازمان و تشکیلات
مالی منسجمی در سراسر کشور وجود نداشت. در هر ناحیه‌ای از ایران، اصول
مالیاتی خاصی حکمفرما بود. چنانکه بسیاری از عوارض و مالیاتها، اختصاص
به ناحیه‌ای معین داشت. این، در حالی بود که برخی از نواحی از پرداخت آن
معاف بودند و حتی در یک ناحیه، برخی از اصناف به پرداخت آن محکوم و
برخی دیگر معاف بودند. (۲) مورگان شوستر - که کمتر از یک سال مسئولیت
اصلاح امور مالی ایران را در اواخر حاکمیت قاجارها بر عهده داشت - در کتاب
خود تحت عنوان «اختناق ایران»، توصیف دردناکی از دستگاه مالی ایران در آن
روزگار ارائه کرده است. او، معتقد است که نظام مالیاتی ایران، بسیار «درهم
پیچیده» و اوضاع مالی ایران، فاقد نظم و ترتیب خاص بوده است. (۳)

در سال ۱۳۳۲ ق. / ۱۹۱۴ م. خزانه داری کل، تهیه و برقراری نظامنامه‌ای
برای مالیات اصناف، به هیئت وزیران پیشنهاد نمود. این نظامنامه، دارای ۱۵
ماده بود که در یکی از مواد آن، ذکر شده است که «مالیات اصناف... زیاده از
صدی پنج و کمتر از صدی نیم نسبت به عایدات خالص مؤدیان تحمیل
نخواهد شد.» (۴) بدیهی است که در اتخاذ این مالیات، حکام ایالات و ولایات
، غالباً راه افراط می‌پیمودند و غیر از میزان تعیین شده مالیاتی، مبالغی نیز تحت
عنوان پیشکش، از اصناف و کسبه می‌ستاندند.

در سال ۱۳۰۱ ش. دکتر میلسپو به اتفاق هیئتی از مستشاران آمریکایی، طبق
دعوت کارگزاران دولت ایران و نمایندگان مجلس شورای ملی، مسئولیت
اصلاح امور مالی ایران را به عهده گرفت. این هیئت، در خلال سالهای
رئیس‌الوزرائی رضاخان و سالهای ابتدای سلطنت وی نیز، اقداماتی در باب
سروسامان دادن به امور مالی و بخصوص نحوه و میزان مالیات‌گیری از اصناف
انجام داد.

رضاخان پس از به سلطنت رسیدن در سال ۱۳۰۴ ش.، با ایجاد و تقویت
سه پایه نگهدارنده‌اش (ارتش نوین، دیوانسالاری دولتی و پشتیبانی دربار)، در
راستای تثبیت قدرت خویش گام برداشت. (۵) وی، با جمع‌آوری درآمدهای
کشور و مرکزیت دادن کامل به آن و نظارت بر هزینه‌ها، به توسعه و تحکیم
سازمانها و تشکیلات مالی در سراسر کشور دست زد. (۶) در عصر حاکمیت

مالیات پرداخت می کرد،
صنّفهای عطار و خرازی فروش
نیز، دویاب مغازه داشتند و مبلغ شصت
تومان تحت عنوان داروغگی به داروغه
پرداخت می کردند. (۹)

در این زمان، اداره کردن امور اصناف و
محلات شهر، بر عهده کلانتر بود و منصب داروغگی،
یکی از پایین ترین مناصب دیوانی به شمار می رفت. (۱۰)
مبالغی که اصناف یهودی سنقر تحت عنوان داروغگی پرداخت
می کردند، نوعی مالیات غیر مستقیم به شمار می رفت. اداره مالیاتهای
غیر مستقیم، قبل از ماموریت دکتر میلیسپو (۱۳۰۱-۱۳۰۶ ش.) و در زمان وزیر
جنگی رضاخان، مدتی زیر نظر وزارت جنگ قرار داشت، اما وی، در همان
سال ورودش به تهران، مدیریت مالیاتهای مذکور را تحت نظارت وزارت
مالیه در آورد. (۱۱) در این زمان، منصب داروغگی هم - که زیر نظر وزارت جنگ
بود - تابع وزارت مالیه گردید. با وجود این تغییر و تحول، کلیه های نامبرده،
همچنان همان مالیات پیشین را به داروغه محل تحت عنوان «مالیات
غیر مستقیم» پرداخت می کردند. (۱۲) اما شواهد، حاکی از آن است که از اصناف
ایران، مالیات غیر مستقیم دریافت نمی گردید.

در باب پیشینه مالیات غیر مستقیم پیش از انقلاب مشروطیت، اطلاعات
روشنی در دست نیست، اما پس از پیروزی مشروطه خواهان - هنگامی که در
سال ۱۳۲۷ ق. پیرم خان ارمنی، رئیس نظمی شد - برای تشکیل پلیس اعتباری
در اختیار نداشت. از اینرو، به منظور پرداخت حقوق پلیسی که تشکیل داده
بود، به صدر اعظم و وزیر مالیه وقت، پیشنهاد نمود که بر مشروبات الکلی مالیات
غیر مستقیم بسته شود. اما بعد از مدتی این درآمد، جزو عواید دولت منظور
گردید و در اختیار وزارت مالیه قرار گرفت و در سراسر کشور گسترش یافت.
پس از آن در سوم ربیع الاول ۱۳۲۸، قانون انحصار نمک و در ۱۳ ربیع الاول
۱۳۲۹، قانون تحدید تریاک در مجلس شورای ملی تصویب گردید. (۱۳) چنانکه
بیشتر اشاره شد، در زمانی که رضاخان سردار سپه، وزارت جنگ را به عهده
داشت، اداره مالیاتهای غیر مستقیم و چند اداره دیگر در اختیار وزارت جنگ
قرار گرفت که هیئت مستشاران آمریکایی، اداره آنها را به وزارت مالیه
بازگرداندند. اما شواهد و مدارکی که نشان دهد طبق قوانین مصوب از اصناف
بزاز، عطار و خرازی فروش ایران مالیات غیر مستقیم دریافت می گردیده، به
دست نیامده است.

فشار مالیاتی و اجحاف و تعدی عمال مالیه محلی از یک سو و کاهش
میزان درآمد کلیه های مذکور و نیز بی رونقی کسب و کار آنان از سوی دیگر،
باعث گردید که در سال ۱۳۰۲ ش. صنف عطار و خرازی فروش کلیمی بکلی
از میان برود و از صنف بزاز نیز بیش از پنج باب مغازه باقی نماند. در چنین
شرایطی، عمال مالیه سنقر غیر از یکصد و بیست تومان مالیات صنفی بزازها،
مبلغ شصت تومان مالیات صنفی عطار و خرازی فروش رانیز بر پنج دکان بزاز
تحمیل نمودند. (۱۴) در نتیجه بزازهای کلیمی، نسبت به این اقدام اداره مالیه
محل اعتراض کرده، خواستار حذف مالیات صنفی عطار و خرازی فروش
شدند و پذیرفتند که کلیه مالیات صنفی خویش و اعضای ورشکسته هم صنف
خود را بپردازند؛ اما کار گزاران اداره مالیه سنقر، توجهی به درخواستهای آنان
نمودند.

و ی

قوانین

مالیاتی متعددی

به تصویب رسید؛

چنانکه سید حسن تقی زاده،

یکی از وزرای دارایی (مالیه) آن

روزگار، وظایف ادارات مالیه

شهرستانها را بین دوایر متعددی - که در

تهران تشکیل شده بود - تقسیم کرد و ادارات

مرکز را، مسئول رسیدگی به امور شهرستانها نمود

و بدین ترتیب مسئولیتها را تقسیم کرد. (۷)

در فاصله سالهای اواخر قرن نوزدهم و اوایل سده

بیستم، تجارت ایران با روسیه در مقام اول قرار داشت. دولت

روسیه، با احداث راه شوسه قزوین - همدان، در گسترش

تجارت و مبادلات ایران با روسیه و سپس اتحاد جماهیر

شوروی تلاش کرد. محصولات همدان همچون روده، پشم،

پوست، کتیرا، توتون، کشمش، بادام و... به روسیه و شوروی صادر

می گردید. یکی از کالاهای صادراتی همدان - که در بازار اروپا

مشتری فراوان داشت - پوست روباه بود. پوست برة سیاه رنگ همدان

نیز - که به روسیه صادر می شد - از شهرت جهانی برخوردار بود. (۸)

نزدیکی سنقر و کلیایی به همدان و اهمیت این شهر در صدور کالاها و

محصولاتی چون پوست روباه، کتیرا، روده، توتون و تنباکو و پشم، نظر تعدادی

از یهودیان آن شهر را به خود جلب نمود. آنان، به منظور جمع آوری و صدور

اقلام صادراتی مذکور، در سالهای پس از شکل گیری مشروطیت وارد آن شهر

شدند و توانستند در اندک زمانی، تجارت اقلام مذکور را به دست گیرند و نیز

به مشاغلی چون بزازی، عطاری و خرازی گری روی آورند.

کلیمیان یاد شده، با پیشرفت و رونق امورشان، به تشکیل اصنافی چون

بزازی، عطاری و خرازی اقدام نمودند. آنان، با مسلمانان هم صنف خویش، به

طور مختلط اقدام به تشکیل صنف نمودند بلکه به شکل جداگانه ای به

حکومت ایران مالیات پرداخت می کردند. صنف بزاز کلیمی، در سالهای پیش

از ۱۳۰۳ ش. هشت باب مغازه در اختیار داشت و مبلغ یکصد و بیست تومان

بزازهای کلیمی، هنگامی که از عمال اداره مالیه محلی پاسخ مثبتی دریافت نمودند، سرانجام در مکاتباتی چند به کارگزاران امور مالیه کرمانشاهان و نیز با حضور در اداره مالیه ایالتی، خواستها و اعتراضات خویش را به گوش آنان رسانیدند؛ به نظر می رسد پاسخ مناسبی از کارگزاران اداره مالیه ایالتی دریافت نکردند. (۱۵) این امر، باعث تحصن اعضای صنف بزاز کلیمی در شهر سنقر گردید؛ اما حاکم شهر، آنان را دستگیر کرد. (۱۶)

سرانجام بزازهای کلیمی، جهت اعاده حقوق خویش به نماینده کلیمیان در مجلس شورای ملی عریضه ای نگاشتند و ضمن تشریح مشکلات خویش و بی توجهی متولیان امور مالیاتی سنقر و کرمانشاهان به خواستهایشان، از او خواستند به دعوی آنان رسیدگی کرده، موضوع را از طریق مقامات مربوط در تهران، مورد پیگرد قرار دهد. (۱۷) همچنین آنان، در عریضه ای به مجلس شورای ملی تاکید کردند که «تا حال چندین مراتب عرضحال خود را کتبا و تلگرافاً تقدیم [مجلس شورای ملی] نموده، [اما] جواب مرحمت نشده است. آنان، با اشاره به ورشکستگی حجره های عطاری و خرازی و فروشی کلیمیها در سنقر، در پی مشکلات اقتصادی و فشار مالیاتی، نگرانی خود را از اینکه بار مالیاتی غیر صنف خویش بر آنها تحمیل شده است، ابراز داشتند و خواستار حذف مبلغ شصت تومان مالیات صنف عطاری و خرازی و فروش ورشکسته شدند. آنها، معتقد بودند که «صنف بزاز و صنف عطاری و خرازی فروش»، «دو صنف» جداگانه است و متذکر شدند که نباید مالیات «غیر صنف» خویش بر آنها تحمیل گردد. (۱۸)

هائیم، نماینده کلیمیهای ایران در مجلس شورای ملی نیز، عرضحال بزازهای کلیمی و سواد تلگراف آنها را به وزارت مالیه ارسال داشت و از مقامات آن وزارتخانه خواست، به نماینده وزارتخانه مذکور در «آن محل» دستور داده شود، به شکایات آنها رسیدگی کند. (۱۹) مجلس شورای ملی هم پس از مدتی درنگ، سرانجام در ابتدای فروردین ماه ۱۳۰۴، سواد عریضه بزازها را به وزارت مالیه ارسال داشت و از مقامات آن وزارتخانه خواست، در «تحقیق امر و اجرای حقانیت و عدالت اقدام» و نتیجه را هر چه سریعتر به مجلس شورای ملی ابلاغ نمایند. (۲۰)

وزارت مالیه در روزهای پایانی مرداد ماه ۱۳۰۴، طی مکاتبه ای به اطلاع مجلس شورای ملی رساند که سواد عریضه بزازهای کلیمی و مراسله مجلس به آن وزارتخانه نرسیده است. (۲۱) سرانجام پس از یک رشته مکاتبات میان مجلس شورای ملی و وزارت مالیه، مجلس، مجدداً عریضه بزازهای کلیمی را به آن وزارتخانه ارسال کرد و متذکر شد که در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۰۴، اداره مراسلات وزارت مالیه در قبال دریافت مراسله مزبور، رسید و وصول ارائه کرده است. (۲۲)

سرانجام در پی گیریهای مداوم هائیم، نماینده کلیمیها در مجلس شورای ملی و تلگرافها و مراسله های پی در پی مجلس شورای ملی و ارسال عریضه های مکرر بزازهای کلیمی سنقر؛ اداره کل عایدات داخلی وزارت مالیه، طی تلگرافی به اداره مالیه کرمانشاهان، در جدی ۱۳۰۳ دستور رسیدگی به خواستهای صنف بزاز کلیمی سنقر را صادر کرد و تاکید نمود هر چه سریعتر

میزان مالیاتی را که

اصناف بزاز،

عطاری و خرازی فروش

یهودی آن شهر پرداخت

می کردند، را گزارش نمایند. (۲۳)

کارگزاران اداره مالیه کرمانشاهان نیز،

در پاسخ اطلاع دادند: «امین مالیه سنقر»

گزارش داده است که صنف عطاری کلیمی

بکلی ورشکست شده است. آنان، یادآور شدند:

به منظور ممانعت از نابودی صنف بزاز یهودی، به

کار بدستان اداره مالیه سنقر دستور داده اند، مبلغ شصت

تومان مالیات مقرر صنف ورشکسته عطاری و خرازی فروش

یهودی را، میان کلیه بزازهای مسلمان و یهودی آن شهر تقسیم

نمایند. (۲۴)

اداره عایدات داخلی، در پاسخ به گزارش اداره مالیه

کرمانشاهان در تلگرافی به فلانکن (۲۵)، رئیس آن اداره، تذکر داد

که احتمالاً سرشکن کردن مالیات صنفی عطاری کلیمی در بین بزازهای

مسلمان و یهودی، اشکالاتی ایجاد نماید. همچنین به مقامات آن اداره

یادآور شد، به منظور پیشگیری از ایجاد مشکل و هرج و مرج و نیز به منظور

تعديل مالیات صنفی، یامی باید تمامی مالیات صنفی سنقر بر حسب توانایی و

رونق کسب و کار، بین اصناف مسلمان و کلیمی تعدیل گردد یا اینکه مالیات

صنفی کلیمی از اصنافی که مالیات نمی پردازند، تادیه گردد؛ البته آنان، معتقد

بودند که هر یک از این دو شیوه که بیشتر به نفع دولت است، اجرا گردد. (۲۶)

فلانکن، در مراسله ای به امین مالیه سنقر، خواستار حل مشکلات مالیاتی

بزازهای کلیمی به طریق تقسیم مساوی تمامی مالیات صنفی عطاری و

خرازی فروش و بزاز کلیمی میان بزازهای کلیمی شد. اما بزازهای کلیمی، در

جلسه ای با حضور کار بدستان امور مالیه سنقر، خاطر نشان ساختند که صنف

عطاری کلیمی، به طور کلی ورشکست گشته و تحمیل مالیات صنفی آنها بر

صنف بزاز، فشار مالی فراوانی بر آنها وارد می نماید که آنان، توان تادیه آن را

ندارند. در این جلسه بزازهای کلیمی، خواستار حذف مالیات صنف عطاری

در تلگرافخانه سنقر تحصن کردند و در تلگرافی به رضاشاه، از وی خواستند: یا از آنان همانند گذشته‌ها مالیات وصول گردد یا اینکه مدتی دریافت مالیات به طرز جدید به تعویق افتد تا آنان بتوانند شبهه الفاکرده کلیمها را رفع نمایند. (۳۲) اما همزمانی طرح خواستهای متحصنین با ایام تعطیلات نوروز سال ۱۳۰۵ ش. باعث شد که از سوی هیئت وزیران و رضاشاه پاسخی دریافت نگردد. سرانجام وزارت داخله، در هفتم فروردین ماه ۱۳۰۵، با ابراز نگرانی از فشاری که دوا بر مالیاتی کشور بر رعایا می‌آورند، از عدم ارسال جواب مکفی برای بزازهای مسلمان متحصن در تلگرافخانه سنقر متأسف شد. او، اطلاع داد که بزازهای مذکور، همچنان به تحصن خویش ادامه داده‌اند. (۳۳)

بزازهای مسلمان، در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ در عریضه‌ای دیگر به رضاشاه، با اشاره به تحمیل مالیات صنفی بزازهای کلیمی سنقر بر آنها، این اقدام را نتیجه تحریکهای شاهزاده ابوالحسن میرزا، امین مالیه سنقر دانستند و یادآور شدند که وی، از شاهزادگان قاجار بوده و مورد تنفراهایی سنقر است. آنان در این عریضه، مشکلات و نابسامانیهای خود را به شاهزاده مذکور نسبت داده، از شاه ایران خواستند، نسبت به عزل وی اقدام عاجل نماید. همچنین آنان، عنوان داشتند که مالیات اصناف یهودی در ایام گذشته تا سال ۱۳۰۲، به صورت داروغگی و غیر مستقیم دریافت می‌شد؛ اما هنگامی که داروغه تابع اداره مالیه شد، آنان همچنان مالیات غیر مستقیم را تحویل می‌گرفتند. (۳۴)

به نظر بزازهای مسلمان، این اقدام عمال مالیاتی سنقر، به صورت غیر قانونی و جمع مالیات مستقیم و غیر مستقیم و تقسیم تساوی آن، امری ناشایست و غیر عادلانه بود. سواد عریضه بزازهای مسلمان را، پس از اندک مدتی دربار پهلوی، به اطلاع مقامات وزارت مالیه رساند. مقامات آن وزارتخانه، در مراسله‌ای به سنقر، به اعضای صنف بزاز مسلمان اطلاع دادند که به اداره مالیه کرمانشاهان، دستور رسیدگی به موضوع صادر گردیده است و آنان نیز، «فوراً باید از تحصن خارج شده»، عرایض و خواستهای خویش را به دایره مالیه اظهار نمایند که مورد رسیدگی قرار گیرد. (۳۵) مقامات وزارت مالیه، سریعاً سواد این مراسله را جهت اجرا به اداره مالیه کرمانشاهان ارسال کردند. (۳۶) همچنین وزارت مالیه، در تلگرافی دیگر به مقامات اداره مالیه کرمانشاهان، اطلاع داد که وزارت داخله خیر داده است که بزازهای مسلمان، همچنان به تحصن خود ادامه داده‌اند. مقامات اداره عایدات، به کاربدستان اداره مالیه کرمانشاهان دستور دادند هر چه سریعتر در رفع تحصن آنها اقدام مقتضی صورت گیرد و نتیجه را به وزارت مالیه ابلاغ نمایند. (۳۷) پیشکار مالیه کرمانشاهان، در مراسله‌ای به اداره کل عایدات وزارت مالیه، اظهار داشت که خواستهای صنف بزاز مسلمان، بی اساس بوده و مالیات بزازهای آن شهر، عادلانه تقسیم شده است. (۳۸)

عریضه بزازهای مسلمان را، در اواخر ۱۳۰۴ ش. پس از گذشت مدت زمانی ریاست وزراء، مورد پیگیری قرار داد. وزارت مالیه نیز، در پاسخ به عریضه مذکور و درخواست ریاست وزراء در باب رسیدگی به خواستهای بزازهای مسلمان، آورده است که به اداره مالیه ایالتی دستور رسیدگی به امور آنان و نیز رفع تحصن آنها داده شده است. (۳۹)

کلیمی شدند و اطمینان دادند در صورتی که بار دیگر این صنف فعالیت خویش را آغاز کند، مالیات خود را بموقع پرداخت نماید. امین مالیه سنقر، در گزارشی به اداره مالیه کرمانشاهان، دیدگاه بزازهای کلیمی را منعکس کرد و در حذف مالیات صنفی عطار کلیمی، با بزازهای کلیمی موافق بود. (۲۷) فلانکن، در پاسخ به مراسله اداره عایدات داخلی، ضمن ارسال سواد مشروحه امین مالیه سنقر، از مقامات وزارت مالیه خواست که مبلغ شصت تومان مالیات صنف عطار کلیمی را حذف نمایند. وی نیز، یادآور شد: در صورتی که اعضای صنف مذکور، بار دیگر در آن شهر کسب و کار خویش را از سر گیرند، مالیات صنفی از آنها ستانده شود. (۲۸)

سرانجام طبق دستور مقامات اداره مالیه کرمانشاهان، امین مالیه سنقر، مبلغ یکصد و هفتاد تومان مالیات صنفی بزازها را - که بخشی از آن مربوط به مالیات صنفی عطارهای کلیمی بود - میان بزازهای مسلمان و یهودی تقسیم کرد. مبلغ یکصد و چهل تومان از مالیات مذکور را، بایستی ۳۱ نفر بزاز مسلمان پرداخت می‌کردند و پنج بزاز کلیمی نیز، مبلغ سی تومان به خزانه دولت تادیه می‌نمودند. (۲۹) در پی این اقدام، بزازهای مسلمان سنقر، در مقام تظلم برآمدند و در اسفندماه ۱۳۰۴ طی تلگرافی به هیئت وزیران، به این اقدام امین مالیه اعتراض کردند و او را به دریافت رشوه از بزازهای کلیمی و طرفداری از آنان، متهم کردند. (۳۰) اما رئیس اداره مالیه کرمانشاهان، ادعاهای بزازهای مسلمان را بی اساس دانست و اجرای دستور اداره مالیه ایالتی را به دست امین مالیه سنقر، مبنی بر تقسیم مساوی مالیات صنف بزاز آن شهر میان کلیمی و مسلمان، عادلانه برشمرد و اعتراض و شکایت آنان را بی پایه و اساس دانست. (۳۱)

بزازهای مسلمان، به منظور اعاده حقوق خویش، در اواخر اسفندماه ۱۳۰۴

بزازهای مسلمان، جهت

به کرسی نشاندن خواستهای

خویش، عریضه‌ای با واسطه شاهزاده

فیروز میرزا نصرت الدوله، نماینده منطقه

غرب ایران در مجلس شورای ملی، به آن

مجلس ارسال کردند. آنان، در عریضه خود

همچنان بر خواستهای پیشین خویش پافشاری و اطلاع

دادند که هر چند وزارت مالیه در تلگرافی به ریاست وزرا،

دستور رسیدگی عاجل به اداره مالیه کرمانشاهان خبر داده است،

اما اداره مذکور، تاکنون گامی در راستای خواستهای آنان برنداشته است.

آنان، در عریضه خود خواهان پیگیری دعاویشان توسط نمایندگان مجلس

شورای ملی شدند. (۴۰) مجلس شورای ملی نیز، با ارسال سواد آن عریضه به

وزارت مالیه، از مقامات آن وزارتخانه خواست که اقدامات مقتضی در راستای

اعاده حقوق بزازهای مسلمان صورت گیرد. (۴۱) اداره عایدات داخلی، در

پاسخ به تلگراف مجلس، یادآور شد که در باب میزان و نحوه مالیات گیری

صنف بزاز سنقر، از سال ۱۳۰۳ ش. تاکنون تحقیقات لازم انجام گرفته است

که در نتیجه، ۱۷۰۰ قران مالیات صنفی بزازها، میان مسلمانان و کلیمها تقسیم

گردیده است. به نظر مقامات آن اداره، این تقسیم بندی عادلانه و شکایت

بزازهای مسلمان بی اساس بوده است. (۴۲) به نظر می رسد اداره عایدات داخلی،

مبلغ ۱۷۰۰ قران مالیات صنفی بزازها را، طبق دیدگاه و نظر اداره مالیه

کرمانشاهان عنوان داشته است. به همین خاطر بزازهای مسلمان نیز، مبلغ مذکور

را غیر واقعی دانستند و مالیات صنف خویش را مبلغ ۵۰۰ قران عنوان

نمودند. (۴۳)

وزیر مالیه، در اواخر دیماه ۱۳۰۵ از دایره جزو جمع، میزان مالیات صنف

بزاز سنقر را خواستار شد که آن دایره نیز، میزان آن را ۵۰۰ قران نوشت. (۴۴) مبلغ

مذکور، میزان مالیات مستقیم صنف بزاز مسلمان بود که مالیات غیر مستقیم

یهودیدار آن منظور نشده بود. زیرا آنها، جوهری تحت عنوان مالیات مستقیم

به خزانه دولت پرداخت نکرده بودند و این مسئله، صحت اظهارات بزازهای

مسلمان را ثابت می نمود.

بزازهای مسلمان، در اواسط مهرماه ۱۳۰۵ در عریضه‌ای دیگر به وزارت

مالیه، از بی عدالتیهای شاهزاده ابوالحسن میرزا نسبت به آنان سخن راندند و

وی را به طرفداری از کلیمها و رشوه ستانی از آنها متهم کرده، تقسیم بندی

مالیاتی به طرز جدید میان کلیمی و مسلمانان را غیر عادلانه برشمردند و وصول

جوهری بیش از ۵۰۰ قران را به عنوان مالیات صنفی از آنها، بدهی کلیمها به

داروغگی عنوان نمودند که توسط اداره مالیه کرمانشاهان و ریاست مالیه سنقر

بر آنها تحمیل شده بود. (۴۵) وزارت مالیه نیز، در پاسخ به مشروحه مذکور، طی

تلگرافی به صنف بزاز مسلمان بیان داشت: برای اثبات ۵۰۰ قران مالیات صنفی

خود، مدارکی از قبیل قبوض مالیاتی سنوات سابق را به اداره مالیه کرمانشاهان

ارائه دهند که آنان نیز، سواد آن را به اداره عایدات مالیات مستقیم ارسال دارند

تا به خواستهای آنان رسیدگی گردد. وزارت مالیه همچنین، سواد تلگراف

مذکور را جهت ابلاغ به اداره مالیه کرمانشاهان ارسال کرده، در پی آن طی

مراسله‌ای دیگر به آن اداره، یادآور شد که بزازهای مسلمان، در عرضحالی از

رضاشاه تجدید تنظیم نموده‌اند. وزیر مالیه، به کارگزاران اداره مالیه کرمانشاهان

دستور داد، به پرونده‌ها و سوابق مالیات محلی رسیدگی کنند و نتیجه را به آن

وزارتخانه

گزارش نمایند.

وی، متذکر شد: در

صورتی که بخشی از

مالیات مزبور، مالیات

داروغگی باشد. که ملغی گردیده

است. طبق دستور عمومی ای که

نسبت به مالیات داروغگی صادر شده

است، رفتار گردد. (۴۶)

بزازهای مسلمان، در پاسخ به تلگراف

وزارت مالیه، سواد قبوض مالیاتی سنوات ۱۳۰۱،

۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ ش. را به وزارت مالیه ارسال نمودند.

همچنین آنان، از رئیس کل عایدات مستقیم آن وزارتخانه

خواستند که در باب میزان و نحوه پرداخت مالیاتشان، «حکم

وزارتی» صادر کند که بدین وسیله کارگزاران اداره مالیه

کرمانشاهان، تحت تأثیر نفوذ ابوالحسن میرزا، رئیس مالیه سنقر،

اسباب خسارات و زحمات آنان را فراهم نمایند. (۴۷) سرانجام

وزارت مالیه، در پاسخ عریضه صنف بزاز مسلمان، در آذرماه ۱۳۰۵،

در اوایل بهمن ماه همان سال طی مراسله‌ای، به اعضای آن صنف

خاطر نشان ساخت: به اداره مالیه کرمانشاهان دستور داده شده است که مالیات

صنفی سال ۱۳۰۵ ش. را، مطابق جزو جمع معمول سنوات سابق دریافت

نمایند. (۴۸)

سرانجام مجلس شورای ملی، در ۲۰ آذرماه ۱۳۰۵ لایحه‌ای تصویب نمود

که طبق آن کلیه مالیاتهای صنفی و مالیات سرشماری ملغی گردید. زمان

اجرای آن نیز، از اول فروردین ماه ۱۳۰۶ اعلام گردید. دولت، مکلف گردید که

این مالیاتها را از دفاتر دولتی حذف نماید و وزارت مالیه، مکلف گردید از

وصول بقایای سنواتی اصناف صرف نظر نماید. (۴۹) بدین ترتیب، مسئله مالیات

صنفی بزازهای سنقر نیز خاتمه یافت.

صنف کلاهمال

از سالهای میانی سده نوزدهم، بر اثر گسترش روابط دولت ایران با دولتهای

منصب داروغگی، نقش بسیار مهمی دربارهٔ اصناف ایفا می کرد. داروغهٔ سنقر پیش از سلطنت رضاشاه، همواره نگرانیهایی برای اصناف محل ایجاد می کرد و به عناوین مختلف از آنان باج می ستاند. اقدامات ظالمانهٔ وی، تا آنجا بود که وی با دریافت مبالغی، حرفهٔ پررونق کلاهمالی را در این شهر در انحصار اشخاص معینی می گذاشت و این امر، نگرانیهایی ایجاد می نمود.

صنف کلاهمال سنقر در پی تحولات فرهنگی، اجتماعی منطقه و ایران در ابتدای سالهای سلطنت رضاشاه، دچار مشکلات مالی فراوانی شد. در این دوره، بی دربی و گسترده، از میزان استفادهٔ اقشار مختلف از کلاه نمدی کاسته شد. اقدامات رضاشاه هم مبنی بر استفادهٔ اجباری از کلاه پهلوی و کلاه شاپو، ضربهٔ هولناکی بر پیکرهٔ این صنعت دستی وارد نمود. مشکلات مالی صنف کلاهمال سنقر، در پی بی رونقی این حرفه در سنقر و اقدامات عمال مالیه محل در ستاندن مالیاتهای سنگین از آنان، باعث شد که اعضای این صنف در اوایل خرداد ماه ۱۳۰۵ عریضه‌ای به وزارت مالیه ارسال دارند. آنان، در عریضهٔ خویش خاطر نشان ساختند که در ایام گذشته، اعضای این صنف، مبالغی تحت عنوان «اجاره» به داروغهٔ محل پرداخت می کردند. داروغه نیز، به منظور کسب درآمد بیشتر، حرفهٔ کلاهمالی را در این شهر در انحصار اشخاص معینی گذاشته بود.

آنان، در عریضهٔ خود پرداخت مبلغ یکصد و بیست و پنج تومان را به داروغه، تحت عنوان اجاره دانستند و متذکر شدند: پرداخت این مبلغ، تحت عنوان مالیات مستقیم نبوده است. آنان، از کار بدستان وزارت مالیه خواستند، به علت افول بازار فروش کلاه نمدی، مبلغ اجارهٔ مذکور را کاهش دهند. (۵۱) وزارت مالیه نیز، پس از گذشت بیش از یک ماه، سواد مشروحهٔ کلاهمالیهای مذکور را به ادارهٔ مالیه کرمانشاهان ارسال نمود و به مقامات آن اداره دستور داد، هر چه سریعتر نظرات و اطلاعات خود را در این باب به آن وزارتخانه ابلاغ نمایند. (۵۲)

اعضای صنف کلاهمال، در اوایل مرداد ماه ۱۳۰۵ در عریضه‌ای دیگر به وزارت مالیه، خواستهای پیشین خود را یادآور شدند. کار بدستان آن وزارتخانه نیز، در پاسخ اشعار داشتند که مراتب، تحت رسیدگی است و پس از حصول نتیجه، جواب قطعی به آنان داده خواهد شد. (۵۳) پس از گذشت مدتی، وزارت مالیه، بار دیگر از ادارهٔ مالیه کرمانشاهان خواست در ارسال اطلاعات در باب صنف مذکور، سریعتر اقدام نماید. (۵۴) پیشکار مالیه کرمانشاهان، در پاسخ اطلاع داد که در سنوات سابق عموم افراد این منطقه، کلاه نمدی بر سر می گذاشتند. به همین خاطر صنعت کلاهمالی، رونق زیادی داشت. به همین دلیل از صنف مزبور سالیانه مبلغی بالغ بر یکصد و پنجاه تومان به عنوان مالیات صنفی - که داروغگی نیز ضمیمهٔ آن بود - وصول می شد. اما در این سنوات - که کلاهمالی رونق خود را از دست داده و در نتیجه توان اقتصادی صنف کلاهمال افول شایان توجهی نموده است - همان مالیات سابق از آنان مطالبه می شود. وی، متذکر شد: در چنین شرایطی تادیهٔ این مبلغ از چهار نفر کلاهمال بی بضاعت در قصبهٔ مذکور، امری غیر ممکن می نماید. پیشکار مذکور معتقد بود که از این صنف مطابق مالیات صنفی شهر کرمانشاهان، مبلغ سی تومان و هفت قران

اروپایی، اقتصاد ایران، در شبکهٔ اقتصاد جهانی ادغام شد. این ادغام - از آن رو که نتیجهٔ تحول درونی اقتصاد ایران نبود - تداخلی ناپهنگام بود و بحران آفرین گردید. زیرا به ساختار اقتصاد زمینداری و عمدتاً محلی ایران، الزامات و وظایفی تحمیل کرد که آن ساختار، تاب تحمل و پذیرشش را نداشت و در نتیجه، در روند طبیعی کشورهای مترویل قرار گرفت. در چنین شرایطی صنایع دستی ایران، به دو گروه تقسیم گردید: یک گروه از صنایع، همانند سده‌های پیشین، کالاهای مورد نیاز و مصرف داخلی را تهیه و تولید می کرد و گروه دیگر، به تولید کالاهای مورد تقاضای بازارهای جهانی اختصاص یافت. صنایع گروه اول، در پی عدم حمایت دولت از آنها، ورود کالاهای مشابه و ارزان قیمت خارجی و عقب ماندگی فنی این صنایع و نیز گذار جامعهٔ ایران از سنت به مدرنیسم بخصوص در بُعد اجتماعی و فرهنگی، بتدریج ورشکسته و نابود شد و یاد در بهترین حالت بشدت تضعیف گردید. (۵۰)

این تغییر در اوضاع و صنایع گروه اول، در سالهای اواخر قرن نوزدهم و عصر حاکمیت پهلوی اول محسوس تر است. یکی از صنایع این دوره - که در نتیجهٔ این تحولات دچار ورشکستگی شد - صنعت کلاهمالی بود. تحولات فرهنگی عصر مذکور، در پی گسترش روابط دولت ایران با دول مغرب زمین و نیز اقدامات رضاشاه در تغییر پوشش افراد جامعه، تأثیر بسزایی در افول این صنعت در پی داشت. در چنین شرایطی اعضای صنف کلاهمال سنقر، توان مالیشان رو به افول نهاد. اعضای صنف مذکور، از وضعیت نابسامان اقتصادی خویش و نیز تحمیل مالیاتهای سنگین توسط ادارهٔ مالیهٔ محل، به مقامات مالیه کرمانشاهان و وزارت مالیه تقظم نمودند. عریضه‌ها و شکوائیه‌های آنان و پاسخ مقامات ذی ربط، در بررسی وضعیت صنف مذکور و نیز اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن روزگار اهمیت دارد.

اخذ شود. به نظر وی، بخشی از مالیات صنف مذکور، جزء داروغگی بود که پس از الغای منصب مذکور، داروغگی نیز به اصل مالیات مستقیم اضافه شد که تعیین مبلغ آن، امری دشوار است. (۵۵)

سر درگمی عمال اداره مالیة کرمانشاهان از نحوه و میزان پرداخت مالیات صنف کلاهمال سنقر، وزیر مالیة رایبر آن داشت که در اواخر مهر ماه ۱۳۰۵ از دایرة جمع وزارت مالیه بخواهد که پرونده صنف کلاهمالهای سنقر را جهت بررسی در اختیار وی قرار دهند؛ و از کارگزاران آن دایرة خواست که میزان مالیات صنف مذکور را مشخص نمایند. همچنین مشخص کنند که آیا داروغگی نیز ضمیمه مالیات صنف مذکور است یا به صورت جداگانه منظور شده است؟ دایرة جمع، در پاسخ عنوان داشت که مالیات صنف کلاهمال قصبه سنقر، در دفتر آن دایرة مبلغ یکصد و پنجاه تومان منظور شده است و از داروغگی نیز ذکری به میان نیامده است. (۵۶)

سرانجام وزارت مالیه، در پاسخ به پیشکار اداره مالیة کرمانشاهان اطلاع داد که به وی اجازه داده می شود تا هنگامی که مالیات صنفی حوزه ایواب جمعی آن اداره تعدیل گردد، از ۱۵۰۰ قران مالیات صنفی کلاهمال سنقر، مبلغ ۳۰۷ قران اخذ شود. (۵۷) همچنین وزارت مالیه، در تلگرافی به صنف کلاهمال مذکور خبر داد؛ به اداره مالیة ایالتی، جهت «رفاه حال» آنها دستور مقتضی صادر شده است. (۵۸) بدین طریق مسئله وصول مالیات صنف مذکور، طی مدتی حل گردید. اما سرانجام بالغای مالیاتهای صنفی در مجلس شورای ملی در ۲۰ آذرماه ۱۳۰۵ و رسمیت یافتن اجرای آن در ابتدای فروردین ماه ۱۳۰۶ (۵۹)، مشکل مالیاتی صنف مذکور حل گردید.

نتیجه :

اصناف بزاز و کلاهمال سنقر در سالهای ۱۳۰۳، ۱۳۰۵، ۱۳۰۷، از مشکلات عمده ای همچون میزان تادیب مالیات و نحوه آن، در رنج بودند. شواهد و مدارک، نشانگر آن است که بخش عمده ای از این مشکلات، به ناکارآمدی نظام دیوانسالاری ایران در آن روزگار بستگی داشت. در عصر قاجار، تشکیلات مالیة ایران آشفته و پریشان حال بود و ضوابط دقیقی بر آن حاکم نبود. در عصر رضاشاه، گامهایی در راستای تنسیق نظام مالیة ایران برداشته شد و قوانین و نظامنامه های متعددی در دولت و مجلس وضع و تصویب گردید. اما فساد و رشوه خواری و اجرانشدن بموقع آن قوانین و ...، از عواملی بود که مشکلات اصناف را می افزود. بسیاری از عمال مالیة محلی نیز، دغل کارانی بی لیاقت بودند که جز اخاذی و غصب اموال مردم، گامی اساسی در راستای رفع موانع و مشکلات آنان بر نمی داشتند.

تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در این دوره نیز، تأثیری چشمگیر بر اوضاع مالی صنف کلاهمال سنقر در پی داشت. از مد افتادن کاربرد کلاه نمدهی در این دوره، باعث شد که روزگار رشد و ترقی این صنعت دستی رو به زوال گذارد. اعضای این صنف، به رغم بی رونقی کسب و کار و درآمدشان، همچون ایام گذشته تحت عناوین مختلف، به عمال مالیة محلی مالیات می دادند.

پی نوشتها :

۱. سلطانی، محمدعلی؛ جغرافیایی تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، جلد اول، چاپ اول، انتشارات شقایق، ۱۳۷۰، ص ۲۸.
۲. نفیسی، سعید؛ تاریخ معاصر ایران از چهارم اسفندماه ۱۲۹۹ تا بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۲۰، چاپ اول، چاپ شرقی، ۱۳۴۵، ص ۱۰۱.
۳. شوستر، مورگان؛ اختناق ایران، با تصحیح و مقدمه و حواشی فرامرز بزرگر و اسماعیل رائین، چاپ دوم، سال ۱۳۵۱، ص ۱۰۱.
۴. جمالیان، محمدعلی؛ گنج شایگان، چاپ اول، ناشر کتاب تهران، خرداد ۱۳۶۲، ص ۱۲۴.
۵. آبراهامیان، پروانده؛ ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ چهارم، نشر نی، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۶۹.
۶. نفیسی، سعید؛ پیشین، ص ۱۰۱-۱۰۰. لایکنلی، مجید؛ تاریخ دارایی ایران، چاپ سوم، کابرفوشی دهخدا، تهران، شهریور ۱۳۵۲، ص ۱۷۹.
۸. گروت، هوگو؛ سفرنامه گروت، ترجمه مجید جلیوند، چاپ اول، نشر مرکز، تهران ۱۳۶۹، صص ۱۸۵، ۱۸۶.
۹. سواد تلگراف اداره مالیة کرمانشاهان به وزارت مالیه، ۱۰ جدی ۱۳۰۳، بدون نمره سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۱۰۷۵، محل در آرشیو ۶۰۹ ط ۴ الف ۱.
۱۰. ورهرام، غلامرضا؛ نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار، چاپ اول، انتشارات معین، تهران ۱۳۶۷، ص ۱۳۴.
۱۱. برای اطلاع بیشتر، ر. ک، آرتور، میلسپو؛ ماهوریت آمریکاییها در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، انتشارات پیام، ۱۳۵۶، صص ۵۹، ۶۰.
۱۲. سواد تلگراف اداره مالیة کرمانشاهان به وزارت مالیه، پیشین.
۱۳. لایکنلی، مجید؛ پیشین، صص ۳۳۹، ۳۴۰.
۱۴. سواد تلگراف اداره مالیة کرمانشاهان به وزارت مالیه، ۱۰ جدی ۱۳۰۳، بدون نمره، سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۱۰۷۵، محل در آرشیو ۶۰۹ ط ۴ الف ۱.
۱۵. عریضه نماینده کلیمیان در مجلس شورای ملی به وزارت مالیه، ۲۸ دلو ۱۳۰۳، بدون نمره، همانجا.
۱۶. سواد عرضحال کلیمیان قصبه سنقر، ۲۷ ثور ۱۳۰۳، همانجا.
۱۷. همانجا.
۱۸. همانجا.
۱۹. مراسله هایم به وزارت مالیه، ۹ قوس ۱۳۰۳، نمره ۳۱۲۰، همانجا.

۳۱. تلگراف بزازهای سنقر به رضاشاه، ۱۳۰۶/۱۲/۲۲، نمره ۸، همانجا.

۳۲. وزارت داخله، ۷ فروردین ماه ۱۳۰۵، نمره ۸، همانجا.

۳۳. عریضه بزازهای مسلمان سنقر به رضاشاه، ۲۲ اردیبهشت، ۱۳۰۵، همانجا.

۳۴. اداره عایدات وزارت مالیه به بزازهای مسلمان سنقر، ۱۳۰۵/۲/۲۹، نمره ۷۶۹، همانجا.

۳۵. همانجا.

۳۶. اداره عایدات وزارت مالیه به اداره مالیه کرمانشاهان، ۱۳۰۵، نمره ۱۶۶۸، همانجا.

۳۷. اداره مالیه کرمانشاهان به اداره کلی عایدات وزارت مالیه، اول تیر ماه ۱۳۰۵، نمره ۲۶۸۵، همانجا.

۳۸. وزارت مالیه به ریاست وزراء، ۶ تیر ماه ۱۳۰۵، نمره ۱۷۹۶، همانجا.

۳۹. سواد عریضه بزازهای سنقر به مجلس شورای ملی، ۱۹ شهریور ماه ۱۳۰۵، نمره ۱۰۰۹، همانجا.

۴۰. همانجا.

۴۱. اداره کلی عایدات داخلی وزارت مالیه به ریاست مجلس شورای ملی، ۱۳۰۵/۵/۲۵، همانجا.

۴۲. عریضه بزازهای مسلمان سنقر به وزارت مالیه، ۱۸ مهر ماه ۱۳۰۵، همانجا.

۴۳. دایره جزو جمع، همانجا.

۴۴. وزارت مالیه، ۱۳۰۵/۵/۲۳، نمره ۲۸۶۵۹، همانجا.

۴۵. عریضه بزازهای سنقر به ریاست کلی عمل عایدات وزارت مالیه، ۹ آذر ماه ۱۳۰۵، همانجا.

۴۶. برای اطلاع بیشتر بنگرید به خزانه داری کلی وزارت مالیه، سرطان ۱۳۰۱، نمره ۹، همانجا. وزارت مالیه، جدی ۱۳۰۲، نمره ۲۵۲۵۹۰، همانجا.

۴۷. وزارت مالیه، ۲ بهمن ۱۳۰۵، نمره ۳۶۴۰۶، همانجا.

۴۸. مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره ششم (۲۲ مرداد ۱۳۰۵، ۲۲ مرداد ۱۳۰۷) چاپ سوم، صص ۷، ۶.

۴۹. برای اطلاع بیشتر از اوضاع ایران اواخر سده نوزدهم بنگرید به نظامی دهنوی، ایرانیان مهاجر در قفقاز: اقدامات فرهنگی در سالهای ۱۹۰۰، ۱۹۳۰، انتشارات وزارت امور خارجه (در دست انتشار)، فصل مقدماتی، صص ۱۱، ۳۵.

۵۰. عریضه کلاهمالهای قضیه سنقر به وزارت مالیه، ۱۸ خرداد ماه ۱۳۰۵، سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۱۲۲۴، محل در آرشیو ۲۰۲ ظ الف الف ۱.

۵۱. اداره عایدات غیر مستقیم وزارت مالیه به اداره مالیه کرمانشاهان، ۳۱۰۵/۵/۲۴، همانجا.

۵۲. عریضه کلاهمالهای قضیه سنقر به وزارت مالیه، ۵ مرداد ۱۳۰۵، همانجا.

۵۳. اداره عایدات مالیات مستقیم وزارت مالیه به صف کلاهمال سنقر، ۱۳۰۵/۵/۶۱۹، نمره ۱۹۱۹۱، همانجا.

۵۴. اداره عایدات مالیات غیر مستقیم وزارت مالیه به اداره مالیه کرمانشاهان، ۱۳۰۵/۶/۲۷، نمره ۱۹۷۴۸، همانجا.

۵۵. اداره مالیه کرمانشاهان به اداره عایدات مالیات مستقیم وزارت مالیه، ۶ مهر ماه ۱۳۰۵، نمره ۴۹۱۳، همانجا.

۵۶. از دایره وصول به دایره جمع، ۲۰ مهر ماه ۱۳۰۵، همانجا.

۵۷. اداره عایدات مالیات مستقیم وزارت مالیه به اداره مالیه کرمانشاهان، ۱۳۰۵/۵/۱۹۳، نمره ۳۱۳۰۳/۲۴۷۶۳، همانجا.

۵۸. اداره عایدات مالیات مستقیم وزارت مالیه به صف کلاهمال سنقر، ۱۳۰۵/۵/۲۳، نمره ۲۴۷۶۳، همانجا.

۵۹. مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره ششم (۲۲ مرداد ۱۳۰۵، ۲۲ مرداد ۱۳۰۷) پیشین، صص ۷، ۶.

۲۰

مجلس شورای ملی به وزارت مالیه، ۴/۱۸، ۱۳۰۱، نمره ۱۵۰۰۷، همانجا.

۲۱. مرسله وزارت مالیه به ریاست دارالانشای مجلس شورای ملی، ۲۷ مرداد ۱۳۰۱/۱۱، همانجا.

۲۲. وزارت مالیه به مجلس شورای ملی، ۲ ملی ۱۳۰۴/۶، نمره ۲۳۸۸۳، همانجا. مجلس شورای ملی به وزارت مالیه، ۱۸ مرداد ۱۳۰۴، نمره ۲۰۰۲۱۰، همانجا. مجلس شورای ملی به وزارت مالیه، ۴ شهریور ماه ۱۳۰۴، نمره ۲۰۸۵۵، همانجا.

۲۳. اداره کلی عایدات داخلی وزارت مالیه به اداره مالیه کرمانشاهان، ۱۰ جدی ۱۳۰۳، نمره ۱۷۱۱۱، همانجا.

۲۴. اداره مالیه کرمانشاهان به اداره کلی عایدات داخلی، ۱۲ دلو ۱۳۰۳، نمره ۱۳۳۳۳، همانجا.

۲۵. فلاگن (Flanagan) از جمله مستشاران آمریکایی بود که به اتفاق دکتر میلیسو، جهت اصلاح امور مالیه ایران به سال ۱۳۰۱ ش. وارد ایران شد. وی، ابتداء به سمت رئیس کابینه رئیس کلی مالیه ایران گماشته شد. او، مدتی نیز ریاست مالیه بزرگ را به عهده گرفت. سپس به عنوان مسئول اداره مالیه کرمانشاهان خدمت نمود. برای اطلاع بنگرید به: ماه موریت آمریکاییها در ایران، پیشین، صص ۵۵ و ۱۷۸.

۲۶. اداره عایدات داخلی وزارت مالیه به اداره مالیه کرمانشاهان، ۹ حوت ۱۳۰۳، نمره ۲۲۶۳۶/۳۱۵، همانجا.

۲۷. سواد راپورت امین مالیه سنقر به اداره مالیه کرمانشاهان، اول حوت ۱۳۰۳، نمره ۹۹۹، همانجا.

۲۸. اداره مالیه کرمانشاهان به اداره کلی عایدات داخلی وزارت مالیه، ۱۰ حمل ۱۳۰۴، نمره ۲۹۱، همانجا.

۲۹. اداره مالیه کرمانشاهان به اداره کلی عایدات داخلی وزارت مالیه، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۵، نمره ۸۳۴، همانجا.

۳۰. تلگراف بزازهای سنقر به هیئت وزراء، ۱۳۰۶/۱۲/۱۹، نمره ۶، همانجا.

۱۸. The administration of funice ۲۱/۱۲/۳۰۴.

نوع موطن
موضوع سوره
تعميمه
منازل ك نوبس



امری عمومی
منازل عمومی

Prepared by Nasser
Init. by Said Khan.

TEHRAN, 19th Mehr, 1305
(10th Octo. 1926)

President of the Majless.

Receipt is acknowledged of your favor No.1009 dated 19th Shahrivar enclosing copy of the petition of the cloth seller guild of Bonghor regarding complaint against heaviness of guild taxes. In reply you are respectfully informed that from the year 1303, said guild had referred direct to the Finance Ministry and necessary investigation were made. In consequence the 1700 Krs guild taxes were distributed among 31 Mohamedan and 5 Jewish cloth sellers, i.e. the sum of 200 Krs has been accepted by 5 Jews and 31 Mohamedan cloth sellers have each undertaken to pay Krs.45.20 per year. It is evident that with such fair adjustment their complaint would not more be plausible.

ADMINISTRATOR GENERAL OF THE
FINANCES.

Noradian
YMB

14 - 3

نوع سوده ملحق
موضوع سوده ملحق
شعبه نظده
مسئول ياك نوبس



وزارت مالى
اداره امور اقتصادى
دايره كسب و معاش

23709
نمره عمومي ۲۲۱۰۹
نمره خصوصي ۲۲۰۸۲

نوع سند: ... تاريخ: ...

Prepared by: ...
Init. by: ...

17th Febr. 1908
(10th Octo. 1325)

Recipient of the No. 1309,

Receipt is acknowledged of your favor No. 1309 dated 10th Shahrivar enclosing copy of the petition of the cloth seller guild of Bander regarding complaint of unjust levying taxes. In reply you are respectfully informed that from the year 1303, said guild had referred direct to the Finance Ministry and necessary investigation were made. In consequence the 1700 Ers guild taxes were distributed among 21 Mohamedan and 5 Jewish cloth sellers, i.e. the sum of 300 Ers has been received by 5 Jews and 21 Mohamedan cloth sellers have each undertaken to pay Ers. 45.20 per year. It is evident that with such fair adjustment their complaint would not more be plausible.

بسم الله الرحمن الرحيم
رأيتكم تطلبون مني
في دفع الضرائب التي
تدفعونها من قبل
السلطات المختصة
بشأن ما ذكره في
الطلب الذي تقدمتم
عليه من قبل
الجمعية المذكورة
من دفع الضرائب
التي تدفعونها
من قبل السلطات
المختصة
بشأن ما ذكره في
الطلب الذي
تقدمتم عليه
من قبل الجمعية
المذكورة
من دفع الضرائب
التي تدفعونها
من قبل السلطات
المختصة
بشأن ما ذكره
في الطلب الذي
تقدمتم عليه
من قبل الجمعية
المذكورة

ADMINISTRATOR GENERAL OF THE FINANCES.

19/2/08

Moradian
YMS

19/2/08

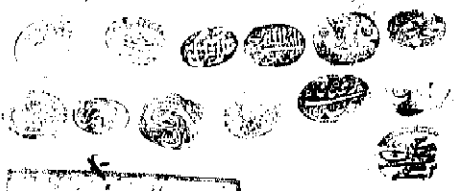
19-2

شماره ۱۳۰۵

۱۹۷

بسم الله الرحمن الرحيم
بجای آنکه با توجه به شرف و کرامت و امانت و شایسته است که
در این مورد با توجه به این که این امر به نفع و صلاح است
و در این باره با توجه به این که این امر به نفع و صلاح است

بسم الله الرحمن الرحيم
بجای آنکه با توجه به شرف و کرامت و امانت و شایسته است که
در این مورد با توجه به این که این امر به نفع و صلاح است
و در این باره با توجه به این که این امر به نفع و صلاح است



۹۲۹۴
۵/۴/۱۰

۴۰۸۹
انجمن مرکزی بني اسرائيل
ایران - طهران

تاریخ: ۲۱ بهمن ۱۳۰۴
شماره: ۱۳۰۴

موضوع: ...

۴۷/۱
۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم
بجای آنکه با توجه به شرف و کرامت و امانت و شایسته است که
در این مورد با توجه به این که این امر به نفع و صلاح است
و در این باره با توجه به این که این امر به نفع و صلاح است

۴۷/۱
۵۹۹۸۵

۲۵/۱۲/۱۴

۴۴/۱۴/۱۰

۵۴۱۱۳

۷/۳
۱۱
۱۳۰۵

شماره ۱۳۰۵

شماره ۱۲۰۵
تاریخ ۱۳۰۵
شماره ۹۳۳

۱۵۰/۲۵۲

۵۹۶۳۳



وزارت مالیه
اداره مالیه کلان
دارایه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
IRAN NATIONAL ARCHIVES

وزارت مجرب - اداره کل مالیه کلان - بیت ستم

در جواب کتبه شماره ۵۹۶۳۳ مورخه ۳۱ ذی قعدة ۱۳۰۵
ملازم علی محمد زنده کتبه که در اداره مجرب صادره است
مورخه ۱۳۳۳ حسب مستند شماره ۳۳۳۳۳ مورخه ۱۳۰۴
در کتبه شماره ۳۳۳۳۳ مورخه ۱۶ جمادی الاول ۱۳۰۵
بن برادران سمان و علی محمد زنده در بیان
سمان و علی محمد زنده در بیان سمان در کتبه
سر دفتر در بیان سمان در بیان سمان در بیان سمان
تعمیر سمان در بیان سمان در بیان سمان
در بیان سمان در بیان سمان در بیان سمان

۱۳۰۵
۱۳۰۵
۱۳۰۵
۱۳۰۵
۱۳۰۵

در کتبه شماره ۵۹۶۳۳

۵۹۶۳۳
۵۹۶۳۳

۱۳۰۵
۱۳۰۵
۱۳۰۵

۱۳۰۵
۱۶۷

سازم خرد و رفیع و در لذت بهر ایدم
بگویند که در احوال و در سوره
بهر خیر و کمالی در هر جا که آید
مگر ترسد و نماند در هیچ
ایات بی غی و کینه و در هیچ
بیز آنست که کمالی در هر
کتابت بر خیزد و ایام
مانند ایامی که در هر
شده و در کمالی
کتابت در هر
روز که در هر
کتابت در هر
ایات بی غی و کینه و در هیچ

بسیار آید در این صنف که باینده ایات شاه قهر سلطنت شود
بهر آنکه در هر جا که آید
بهر خیر و کمالی در هر جا که آید



۵/۲/۱۰
۹۳۶۴

۷/۲/۱۰
۱۸۶۱۶

۵/۲/۱۰
۵/۲/۱۷
۲۰۳۱۶